

پاسخ به ده انتقاد از سیاستها و عملکرد صندوق بین‌المللی پول

□□ ترجمه: سیدحسین میرجلیلی

مقدمه:

نادرست درباره صندوق بین‌المللی پول انتشار یافته حاوی ده انتقاد و پاسخ به آنها است.

تلاش صندوق بین‌المللی پول برای پاسخگویی به انتقادها خود نشان دهنده وسعت اعتراضها و واکنش‌های منفی در برابر سیاستهای اقتصادی و عملکرد این نهاد است. قضاوت درباره بجا بودن یا نبودن پاسخ‌ها را به عهده خوانندگان می‌گذاریم ولی دست کم این متن موضوعات متعددی را برای پژوهش درباره این نهاد بین‌المللی فراوری محققان علوم سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد. (مترجم)

از سال ۱۹۴۶ که صندوق بین‌المللی پول براساس موافقت‌نامه برتون و وودز تأسیس گردید تاکنون قریب نیم قرن می‌گذرد. در این چند دهه سیاستهای صندوق بین‌المللی پول در کشورهای مختلف به تجربه گذاشته شده است. منتقدان بسیاری، سیاستهای صندوق را زیر سؤال برده‌اند و این موضوع در سراسر جهان تقریباً همگانی شده است. به همین جهت صندوق بین‌المللی پول در پاسخ به مهمترین انتقادها اقدام به انتشار کتابچه‌ای کرده است. این کتابچه که با عنوان ده برداشت

۱- صندوق بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشورها درمان‌های یکسانی را تجویز می‌کند:

معمولاً کنترل مخارج دولتی و ارزیابی سیاست نرخ‌گذاری ارز است. دومین دلیل شباهت برنامه‌های مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول آن است که خود کشورهای عضو، صندوق را واداشته‌اند تا برای نظارت بر برنامه‌ها تنها از چند شاخص اقتصادی کلیدی استفاده کند. منطق این شیوه تا حدی مطمئن شدن از یکسان بودن درمان‌ها و اجتناب از تنظیم جز به جزء اقتصاد است ولی دلیل دیگر آن عملی بودن برنامه‌هاست. شاخص‌های مورد بحث غالباً تنها شاخص‌هایی هستند که در همه کشورهای اطلاعات نسبتاً قابل اعتماد و تازه‌ای در مورد آنها وجود دارد. همچنین باید یادآور شد که هرگونه تأخیر در تماس با صندوق معمولاً موجب محدود شدن گزینه‌های موجود برای سیاست‌گذاری می‌شود.

این تصور نادرست که صندوق «درمانهای یکسانی» برای کشورها تجویز می‌کند، از آنجا ناشی شده است که تمامی برنامه‌های مورد حمایت صندوق در واقع از «تصور» مشابهی درباره بهترین راه برقراری مجدد وضعیت پرداختهای قابل دوام، نشأت می‌گیرد. تصور یاد شده برپایه اصل حمایت از بازرگانی و رویه‌های آزاد پرداخت مبتنی است که در مواد اساسنامه صندوق مورد اشاره قرار گرفته است. اصل یاد شده بدرستی بر واقعیت پایه گرفته است. صندوق، از تجربه طولانی خود در زمینه مقابله با مشکلات مربوط به پرداختها در اقتصادهای مختلف به یکسری نتایج عملی درباره خط‌مشی‌های کارآمد و غیر کارآمد رسیده است. به طور کلی، صندوق معتقد است هرچه اقتصاد بازرتر باشد، شانس بیشتری برای توسعه دارد، نظام تجاری نسبتاً آزاد، فرصتهای مربوط به دستیابی به منابع درآمدی بالاتر و متنوع‌تر را افزایش می‌دهد و در مقایسه با یک نظام کنترل شده، سپر قوی‌تری در مقابل شوک‌های خارجی خواهد بود. به علاوه نظام تجارت آزاد به تمام کشورها کمک می‌کند که رشد نمایند؛ محدودیتهای تجاری، منجر به تبعیض و کاهش درآمد جهانی می‌گردد.

بنابراین، تمامی برنامه‌های تعدیل مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول بیانگر تلاش برای بازرتر کردن اقتصاد کشورها، آزادتر کردن فعالیتهای اقتصادی، برقراری قیمتهای واقع‌بینانه و کاستن از کنترل‌هاست. اما بهترین راه

هیچ درمان استاندارد برای مسائل پرداختهای خارجی وجود ندارد، زیرا علل ایجاد این مشکلات و تأثیر تدابیر مهارکننده آنها جا به جا تفاوت می‌کند. به همین دلیل است که صندوق بین‌المللی پول صرفاً می‌تواند هر کشور را به تنهایی مورد بررسی قرار دهد و باید خط‌مشی‌های پیشنهادی خود را مطابق شرایط اقتصادی خاص همان کشور تدوین نماید. برنامه‌های مورد حمایت صندوق مشتمل بر طیف وسیعی از سیاستهای اقتصادی است. برخی از این برنامه‌ها مستلزم کاهش ارزش پول است و برخی دیگر چنین نیست. برخی متضمن اصلاح نظام مالیاتی کشور است و برخی دیگر نه. برخی از این برنامه‌ها نیز شامل تدابیری برای اصلاح شرکتهای بخش عمومی یا محدود نمودن درجه شاخص بندی دستمزد است.

از این گذشته، انواع، تسهیلاتی که صندوق بین‌المللی پول برای اعضای خود فراهم کرده نشان می‌دهد که صندوق به لزوم عنایت به موقعیتهای مختلف مطرح برای اعضای واقف است. درحالیکه بسیاری از برنامه‌های مورد حمایت صندوق ناظر بر حل مشکلات کوتاه مدت و میان مدت پرداختهای خارجی است، مکانیزم‌های ویژه‌ای نیز برای مقابله با اثرات کاهش موقت قیمت کالاها و صادراتی را رفع مشکلات خاص فقیرترین کشورها تمهید شده است.

با این وجود، میان برنامه‌های صندوق برخی شباهتها نیز وجود دارد. این امر دارای دو دلیل عمده است: اول آن که در مسائل بسیاری از کشورهایی که به صندوق مراجعه می‌کنند عناصر مشترکی وجود دارد. بیشتر این کشورها دارای مشکلات جدی در زمینه پرداختهای خارجی هستند که می‌توان ریشه آن را در بیش از حد بودن مخارج دولت و غالباً تورم سراخ گرفت. افزون بر این، سیاستهای اقتصادی نامناسب غالباً منجر به نرخ ارز غیر واقعی و بیش از حد بالا، می‌گردد که به نوبه خود واردات را ارزان و صادرات را - رقابت‌ناپذیر می‌سازد و از آهنگ رشد می‌کاهد. نخستین گام برای مقابله با چنین وضعیتی،

می‌گذارد ریشه‌کن گردد. اُفت شدید رشد غیر سالم ممکن است برای برخی عناصر جامعه دردناک باشد ولی این اقدامات برای خلاصی اقتصاد کشور از رویه‌هایی که موجب خفگی آن شده‌اند ضروری است. این فرآیند با ایجاد شرایط سامان یافته‌ای که اجازه گسترش اقتصاد را داده و آینده روشنی را نوید می‌بخشد زمینه را برای استفاده مولد [از منابع کمیاب] فراهم می‌سازد.

در نتیجه طی سالهای اخیر، صندوق بین‌المللی پول تسهیلات ویژه‌ای معروف به تسهیلات تعدیل ساختاری* و تسهیلات تقویت تعدیل ساختاری** ایجاد کرده است که از طریق آن به کشورهای کم‌درآمدی که با مشکلات بسیار حادی روبرو هستند وام اعطا می‌نماید. هدف ترویج و پیشبرد بازسازی اقتصادی این قبیل کشورها و بهبود فرصتهای آنها برای رشد است. برنامه‌هایی که توسط تسهیلات یاد شده مورد حمایت قرار می‌گیرند شامل سیاستگذاری‌هایی است که به ویژه برای افزایش عرضه منابع مولد و بهبود تخصیص آنها طراحی شده است.

۳- برنامه‌های مورد حمایت صندوق، ریاضت اقتصادی را به کشورهای عضو تحمیل می‌کند:

این تصور نادرست به دلایل چندی ایجاد شده است: نخست: کشورها از آن رو دچار مشکلات تراز پرداختها می‌شوند که سیاستهای داخلی نامناسب، گسترش‌های خارجی نامساعد یا ترکیبی از این دو را در پیش می‌گیرند. همین عدم تعادل اولیه و فقدان چشم‌اندازهای مالی است که کشورها را ناگزیر از اتخاذ سیاستهای ریاضت اقتصادی می‌سازد. دوم: در این شرایط یک کشور می‌تواند از ذخایر ارزی خود استفاده کند یا از خارج - استقراض نماید و بدین ترتیب از شدت کسری تراز پرداختهای خود البته صرفاً تا حدی بکاهد زمانی می‌رسد که ذخایر یک کشور و تمایل اعتبار دهندگان خارجی برای اعطای وام بیشتر پایان می‌پذیرد. دیر یا زود یا بدون همکاری صندوق بین‌المللی پول کشور دارای کسری، باید به تعدیل اقتصادی روی بیاورد. اگر چنین تعدیلی به شکلی ناسامان و از طریق تحمیل محدودیتهایی انجام گیرد که تنها حل مسأله را به تعویق می‌اندازد، در آن صورت هزینه نهایی چنین اقدامی، سنگین خواهد بود. البته اگر تعدیل اقتصادی به شکلی منظم و از طریق سیاستهای برنامه‌ریزی شده تعدیل و با حمایت منابع مالی صندوق بین‌المللی پول انجام گیرد، آنگاه هزینه‌های بالقوه تعدیل می‌تواند کاهش یابد. سوم: تمامی برنامه‌های تعدیل اقتصادی با تعدادی قربانی همراه است. برای قضاوت در مورد ناملایمات برنامه‌های تعدیل باید قربانیهای سیاست تعدیل را با قربانیان ناشی از عدم مبادرت به تعدیل شرایط وخیم اقتصادی و در واقع با قربانیان تأخیر در اجرای سیاستهای تعدیل مقایسه کرد به تعویق انداختن اجرای برنامه‌هایی تعدیل مسلماً قربانیان بیشتری خواهد گرفت. چهارم: غالباً چنین ادعا می‌شود که برنامه‌های مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول به بخش‌هایی از جمعیت یک کشور که وضعیت بدتری در مقایسه با سایرین دارند، حمله می‌کند، درحالیکه چنین نیست. تعدیل مورد نیاز را می‌توان بین گروههای مختلف جامعه و در میان مقولات متفاوت هزینه‌های عمومی (برای نمونه میان هزینه‌های نظامی یا هزینه‌های اجتماعی) سرشکن کرد. اما این نه صندوق بین‌المللی پول بلکه دولتها هستند که تصمیم می‌گیرند چگونه این توزیع صورت گیرد. دولتی منصفانه عمل می‌کند اقدامات اصلاحی ضروری ولی ناخوشایند مردم را به مرحله اجرا درآورد و مسئولیت آن را نیز خود بپذیرد. اما در عمل، دولتها غالباً صندوق بین‌المللی پول را سربلای خود ساخته و چنین ادعا می‌کنند که این اصلاحات توسط صندوق بین‌المللی پول دیکته شده است. در واقع ممکن است صندوق بین‌المللی پول پیام‌آور اخبار ناخوشایندی باشد ولی اجرا کننده برنامه‌ها نیست.

پنجم: برنامه‌های تعدیل نرخ ارز، به عنوان یک عنصر ضروری در برخی از برنامه‌های مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول گروه‌های محروم جامعه را در فشار قرار نمی‌دهد. در واقع کاهش ارزش پول عموماً کمکی به گروه‌های مهم فقرا به شمار می‌رود. این امر به ویژه در مورد کشورهایی مصداق دارد که

حصول آزادسازی بسته به شرایط خاص هر کشور شدت و فوریت مسأله و توانایی اقتصادی کشور برای اجرا و تداوم بخشیدن به تدابیر مورد نیاز برای کشورهای مختلف تفاوت دارد. بنابراین، هرچند صندوق دارای دیدگاه خاصی درباره بهترین روشهای مقابله با مشکلات پرداختهای خارجی است، اما این دیدگاه به تجویز درمان‌های یکسان منجر نشده و نمی‌تواند شود.

۲- برنامه‌های تعدیل مورد حمایت صندوق، ضد رشد است:

هدف وجودی صندوق ترغیب رشد تجارت، اشتغال و درآمد واقعی در کشورهای عضو است و به همین لحاظ برای حفظ سلامت تراز پرداختها به اعضای خود کمک می‌کند. این اهداف در ماده نخست موافقت‌نامه صندوق ذکر شده که اهداف صندوق را چنین تصریح می‌کند: «تسهیل گسترش و رشد متوازن تجارت خارجی به منظور کمک به ارتقاء و حفظ سطوح بالای اشتغال و درآمد واقعی و توسعه منابع مولد تمامی اعضا و ایجاد اطمینان در کشورهای عضو از طریق اعطای موقت بخشی از منابع عمومی صندوق تحت شرایط حفاظتی کافی و بنابراین فراهم کردن فرصتهایی برای تصحیح ناهنجاری‌های تراز پرداختهای آنها».

مشکلات مربوط به تراز پرداختها تهدیدی برای رشد به حساب می‌آید، زیرا بر جریان منابع مالی و واردات تأثیر می‌گذارند و این امر به نوبه خود توسعه را مختل می‌سازد. از این گذشته، اطمینان به فعالیتهای بلندمدت اقتصادی را در کشور زایل می‌نماید، سرمایه‌گذاری را از رونق می‌اندازد و می‌تواند منجر به استفاده ناکارآمد از منابع کمیاب گردد. از طرف دیگر ثبات تراز پرداختها، مبنای صحیح تری برای رشد فراهم می‌کند و اطمینان به اقتصاد را افزایش می‌دهد. کشورها نوعاً به دلیل آنکه فراتر از حد مقدورانشان خرج می‌کنند ناچار از فشاری که متحمل می‌شوند در پیش گرفتن برنامه‌های تعدیل اقتصادی هستند. آنها غالباً برای سالیان متمادی بیش از درآمد حاصل از صادرات و سرمایه‌گذاری‌شان، از سایر کشورها کالا و خدمات وارد کرده‌اند. تداوم این وضعیت تنها با برداشت از ذخایر خارجی و استقراض از خارج امکان‌پذیر است. اما این منابع هم به‌رحال تمام می‌شوند و در این حالت برای کشور راهی جز تعدیل اقتصادی برای انطباق با تواناییها و استطاعت مالی خود وجود ندارد. کشوری که دارای مشکلات تراز پرداختهاست می‌تواند نقش فعال یا منفعلی در برنامه‌های تعدیل داشته باشد. اگر کشوری روش انفعال را در تعدیل انتخاب کرد و هیچ اقدامی برای مقابله با مشکلات تراز پرداختهای خود بعمل نیآورد، تعدیل اجتناب‌ناپذیر، بر او تحمیل می‌گردد و اقتصاد داخلی را مختل می‌سازد که در نتیجه آن محصول بالقوه و بالفعل اُفت می‌نماید و احتمالاً بی‌نظمی و هرج‌ومرج بر روابط مالی و تجاری کشور حاکم می‌گردد. این امر به نوبه خود برای اقتصاد کشورهایی نیز که شریک تجاری و مالی آن کشور هستند تأثیر سوء دارد. از طرف دیگر اگر کشوری برای تعدیل و سازگاری یافتن با واقعیت اقتصاد خود بر خورد فعالانه را برگزید صندوق بین‌المللی پول در زمینه تدوین برنامه‌ای برای به حداقل رساندن اختلالات اقتصادی کشور و ایجاد دوباره شرایط اساسی رشد به آن کشور کمک خواهد کرد. در تحلیل نهایی هزینه تعدیل سامان یافته و منظم، همواره کمتر از تعدیل بی‌برنامه و نامنظم است. علاوه بر این، صندوق گذار کشور را به یک اقتصاد دارای مبنای مستحکم تر از طریق وام دادن ارزهای قابل تبدیل به آن تسهیل می‌نماید. بدین طریق صندوق به کشور کمک می‌کند تا بدون پناه بردن به اعمال محدودیتهای - که تنها مشکل را به تعویق می‌اندازد - تا زمانی که اصلاحات اقتصادی تجلی یافته در برنامه تعدیل تحقق کامل یابد تعهدات بین‌المللی خود را ایفا نماید.

اگر چه برنامه‌های صندوق برای تعدیل بطور قابل ملاحظه‌ای بر تعدیل بی‌برنامه و نامنظم که همواره متضمن زیانهایی است ترجیح دارد ولی در عین حال برنامه‌های مورد حمایت صندوق نیز بدون هزینه نیست. تعدیل اقتصادی نیازمند کاهش تدریجی سطح گذشته هزینه‌ها و تمرکز منابع کمیاب حول کاربردهای مولدتر است. برنامه‌های مورد حمایت صندوق می‌کوشد تا از رشد هزینه‌های نسبتاً غیر مولد کاسته شده و روش‌های جاافتاده‌ای که تلاش‌های کشورهای عضو را برای به عمل آوردن حداکثر استفاده از منابع خود ناکام

کشاورزی بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی آنها را تشکیل می‌دهد و دارای صادرات قابل ملاحظه‌ای در این زمینه هستند. نرخهای بالا و غیر واقع بینانه‌ای که غالباً ویژگی بارز این قبیل کشورهاست، مانع از این می‌شود که کشاورزان کوچک بتوانند بهای جذاب پول داخلی که نتیجه نرخ‌های رقابت پذیر ارز است سود ببرند. در واقع ارزش گذاری بالا و غیر واقع بینانه پول ملی از بخش‌های برخوردار جمعیت که ساکن مناطق شهری هستند حمایت می‌کند. سوق دادن نرخ ارز به قیمت صحیح خود از راه تضعیف ارزش پول ملی عامل انتفاع اکثریت جمعیت روستایی می‌شود که اغلب قربانی قیمت‌های دل‌سرد کننده می‌شوند و به مرور زمان تعادل بهتری بین منافع روستائیان و شهرنشینان برقرار می‌گردد.

ششم: سیاست‌های تعدیل مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول مشوق حذف ناکارایی و اتلاف منابع است و راه را برای تلاش‌های ساختاری دیرپا تر به منظور ترویج رشد پایدار در کشورهای عضو هموار می‌سازد. برای بهینه کردن منافع برنامه‌های مورد حمایت صندوق باید آنها را مکمل و همراه اعتبارات فزاینده خارجی برای کمک به تلاش‌های ساختاری از جمله اعتبارات دریافتی از بانک جهانی قرار داد.

در مجموع نمی‌توان انکار کرد که سیاست‌های تعدیل هزینه بردار است، ولی در عین حال برنامه‌های مورد حمایت صندوق چنان طراحی شده که اصلاحات ضروری را به طریقی عملی می‌سازد که منافع بلندمدت اعضا تامین شود. هدف این برنامه‌ها ایجاد حداکثر پتانسیل رشد در عین کوشش برای به حداقل رساندن ریاضت‌های گریزناپذیر برنامه‌های تعدیل است.

۴- صندوق پیرو فلسفه آزادی فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های بازارگراست و آنها را بدون توجه به مقتضیات کشورها به مرحله اجرا در می‌آورد:

این مطلب صحیح است که عضویت در صندوق در واقع به معنی پذیرفتن دیدگاه خاص و سیاست‌های ویژه‌ای است که بیشتر از سایر روشها تعدیل خارجی را ارتقاء می‌بخشد و مبنای صحیحی برای رشد اقتصادی فراهم می‌سازد. این دیدگاه در مواد اساسنامه صندوق تصریح شده که مورد پذیرش تمامی اعضا قرار گرفته است و هدف از تدوین آن جلوگیری از بازگشت به شرایطی است که طی دهه ۱۹۳۰ وجود داشت (ومهمترین ویژگی آن بی‌ثباتی، وجود کنترل‌های اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی مخرب بود). تجربه چهل ساله صندوق در برخورد با مشکلات تراز پرداخت‌های کشورهای واجد انواع ایدئولوژی‌های سیاسی نیز مؤید همین رویکرد بوده است.

تجربیات گذشته صندوق نشان داده است که اگر فعالیت‌های اقتصادی نسبتاً به حال خود واگذاشته شوند، این امر عامل افزایش کارایی است و در مقایسه با وضعیتی که اگر اقتصاد محدود شده و تحت کنترل قرار گیرد سعادت اقتصادی فزونتری را به همراه خواهد آورد بویژه که غالب کشورها فاقد ظرفیت اجرایی و مدیریتی برای کنترل مؤثر اقتصاد هستند. هنگامی که نظام‌های ارزی و تجاری محدودیتی نداشته باشند مبادلات تجاری افزایش یافته و درآمد تمام کشورها احتمالاً اضافه خواهد شد. اما اگر به عنوان مثال برای واردات، اخذ مجوزها و امتیازات، محدودیتها و مزایای ویژه را به واردکنندگان تحمیل نمایم، در این صورت بازرگانی و درآمدها به آهستگی رشد خواهد کرد زیرا واردکننده وقت و انرژی زیادی را صرف فرار از این مقررات تا تبعیت از آنها خواهد کرد.

این دیدگاه درباره اهمیت نظام‌های تجارت آزاد احتمالاً در یک اقتصاد بازار بهتر درک می‌شود. صندوق بین‌المللی پول برنامه‌هایی در کشورهای مختلف با نظام‌های اقتصادی متفاوت داشته و با مقامات آنها به کار پرداخته است و بهترین رویه برای دست‌یابی به تراز خارجی و نظارت بر سیستم پرداخت‌ها و ارزها شناخته است. صندوق در جریان کار خود به اتفاق نظری عام در مورد مناسب‌ترین استراتژی‌ها برای نیازها و اولویت‌های هر کشور خاص دست می‌یابد. در بسیاری از موارد برنامه‌های مورد حمایت صندوق متضمن ابزارهای غیر بازاری مانند کنترل‌های تولید، مدیریت قیمت‌ها و اعطای سوبسید است. اما همانگونه که تجربه کشورهای اروپای شرقی نشان داد اقتصاد با برنامه‌ریزی و

بیش از حد متمرکز کارایی ندارد.

نادرست است اگر تصور کنیم که صندوق دارای دیدگاه‌های خاص اقتصادی - اجتماعی است و آن دیدگاهها طریقه عمل صندوق را تعیین می‌کنند. جدای از این مسئله که آیا عملاً مؤسسه‌ای متشکل از ۱۵۵ کشور، می‌تواند دیدگاه همگنی را به کار نبرد یا نه باید گفت صندوق به عنوان یک موضع‌گیری صریح، دیدگاه خاصی در امور سیاسی و اجتماعی اتخاذ نمی‌کند بلکه در بستر نظام‌های سیاسی - اجتماعی موجود در کشورهای عضو به فعالیت می‌پردازد. صندوق بین‌المللی پول هنگام تدوین سیاست‌های خود بدنبال ترویج تراز پرداخت‌های پایدار و رشد اقتصادی است. در این رهگذر صندوق ابزارهایی را که در خود کشور برای مدیریت کلان اقتصادی وجود دارد با نظام اقتصادی همان کشور سازگار می‌سازد.

۵- برنامه‌های مورد حمایت صندوق بی‌فایده است:

بهترین معیار سنجش موفقیت یا شکست برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول این است که آیا این برنامه‌ها به اهداف کلی خود یعنی تأمین موازنه پرداخت‌های پایدار دست یافته‌اند یا نه. این معیار در مورد هر دو دسته کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته به یک اندازه مصداق دارد. آیا برنامه‌های صندوق واقعاً به این هدف نائل آمده‌اند یا آنچنان که برخی ادعا می‌کنند تنها محدودیت‌های مفصلی را بر اقتصاد کشورهای عضو تحمیل کرده و مانع رشد اقتصادی شده‌اند؟ مطالعات مربوط به اثرات برنامه‌های مورد حمایت صندوق چنین نتیجه داده است که این برنامه‌ها اثرات مثبتی داشته، هم کارایی منابع موجود را بهبود بخشیده است و هم حجم منابع در دسترس کشورها را افزایش داده است. بالاتر از همه این بررسی‌ها نشان داده است این ادعا که برنامه‌های مورد حمایت صندوق به جای کمک به کشورها به آنها زیان می‌رساند، ادعایی غیر منصفانه است.

سنجش دقیق اثربخشی برنامه‌ها چندان آسان نیست. - یک راه اینست که ببینیم در صورت عدم اجرای هیچ برنامه‌ای چه رخ می‌داد. - روش دیگر، مقایسه وضعیت کشورها، قبل و بعد از اجرای برنامه‌های مورد حمایت صندوق است. - روش سوم سنجش تفاوت بین عملکرد اقتصادی و اهداف تعیین شده در برنامه است.

- روش‌های دیگر تجزیه و تحلیل تفاوت بین عملکرد واقعی هنگام اجرای برنامه و مجموعه - بهینه‌ای از سیاست‌های اقتصادی یا مقایسه عملکرد فرضی تحت دو مجموعه متفاوت از سیاست‌هاست. - سرانجام آخرین روش آنست که پیشرفت اقتصادی کشورهای که برنامه‌های مورد حمایت صندوق در آنها به مرحله اجرا درآمده با پیشرفت اقتصادی دیگر کشورهای مشابهی که برنامه‌های صندوق را اجرا نکرده‌اند به مقایسه گذاشته شود.

عوامل مهم دیگری را نیز باید مدنظر داشت:

نخست: در هر روش مقایسه‌ای، باید میان اثرات فوری برنامه‌ها و اثرات درازمدت‌تر آنها فرق گذاشت.

دوم: در بررسی اثرات برنامه‌های مورد حمایت صندوق، باید اثرات این برنامه‌ها را بر مجموعه کاملی از شاخصها از جمله اثرات آن بر تراز پرداخت‌ها، تورم، رشد، طرح‌های سرمایه‌گذاری، مشوقهای صادراتی، دیون خارجی، مدیریت مالیات، سیاست‌های قیمت گذاری و کنترل‌های تجاری و ارزی مورد ارزیابی قرار داد.

با اینکه رسیدن به پاسخ مشخصی بر مبنای ملاحظاتی چنین گسترده دشوار است ولی بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که برنامه‌های مورد حمایت صندوق به ویژه اگر به حد مورد اجرا قرار گرفته باشند اثرات مثبتی بر رشد داشته‌اند. برای نمونه در تحلیل‌هایی که درباره اثر تغییرات نرخ ارز در چارچوب برنامه‌های مورد حمایت صندوق انجام شده هیچ شواهدی در این مورد که این برنامه‌ها اثرات معکوسی بر رشد داشته‌اند یافت نشده است. برعکس، در موارد متعددی تضعیف ارزش پول و حتی در کوتاه مدت محرك رشد شده است.

مستولان اقتصادی آن کشور یادآور می‌شود و پیامدهای آن را در افزایش کسری پرداخت‌های خارجی خاطر نشان می‌سازد. همچنین ممکن است صندوق برای کاهش سوبسیدها بدون آنکه وضعیت گروههای آسیب پذیر شود راههای کارآمدتری را پیشنهاد نماید. در اغلب موارد سوبسیدها یا سایر برنامه‌های حمایتی دولت عمدتاً به نفع گروه‌های با درآمد متوسط و ثروتمندتر جامعه تمام می‌شود نه به نفع فقرا اما صندوق معمولاً خواهان تداوم اعطای سوبسیدها یا هر سیاست اجتماعی دیگری از راه تعدیل خط‌مشی‌ها نخواهد شد، به طور کلی صندوق عموماً به این توصیه کلی اکتفا می‌کند که کسری بودجه دولت بایستی کاهش یابد.

اگر چه نقش صندوق بین‌المللی پول و مقامات ملی در طراحی سیاست تعدیل از یکدیگر کاملاً مجزا است، ولی صندوق اخیراً در مورد اثرات اصلاحات اقتصادی بر فقرا توجه بیشتری معطوف داشته است. بررسیها نشان می‌دهد که فقرا و نیز ثروتمندان در هر حال از هر نوع سیاست تعدیلی که برای بهبود رقابت‌پذیری یک کشور مشوق‌های قیمتی را دگرگون می‌سازد یا برای محدود کردن عدم تراز دست به کاهش هزینه‌های داخلی می‌زند متأثر می‌شوند. اگر صندوق به مقامات اقتصادی کشوری که دارای اقتصاد عمدتاً کشاورزی است توصیه نماید که در پی حفظ نرخ واقعی ارز باشند - که معمولاً بدین معناست که ارزش پول آنها بیش از حد واقع تعیین شده است و بایستی کاهش یابد - این امر به نفع تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی خواهد بود. در کشورهایی که فقرا بیشتر به تولید اینگونه کالاها می‌پردازند، در پیش گرفتن چنین سیاستی رفاه مردم فقیر مناطق روستایی را بهبود می‌بخشد، اگرچه وضع جمعیت شهری بویژه فقرای مناطق شهری در کوتاه مدت احتمالاً بدتر می‌شود.

با این وجود، تفکیک اثر خالص سیاستهای تعدیل اقتصادی بر فقرا موضوع پیچیده‌ای است. این پیچیدگی نه فقط ناشی از تأخیرهای موجود در اثرگذاری سیاستهای تعدیل است، بلکه اثرات این سیاستها غالباً غیر مستقیم بوده و به خوبی درک نمی‌شود. از این گذشته فقرا گروه همگنی نیستند. برخی از فقرا در شهرها و برخی دیگر در حومه شهرها زندگی می‌کنند، برخی از فقرا بیکار هستند و با پرداختهای انتقالی دولت به حیات خود ادامه می‌دهند و برخی دیگر فروشندگان خرده‌با یا صنعت‌گران کوچک و برخی نیز کشاورز هستند. سیاستهای مختلف بر هر یک از این گروه‌ها تأثیر متفاوتی می‌گذارد. اما روشن است که اگر کشورها اثرات سیاست‌های تعدیل بر توزیع درآمدها را بهتر درک کنند، برنامه‌های تعدیل بهتری خواهند داشت. تلاش صندوق بین‌المللی پول نیز متوجه حصول همین هدف است صندوق ارزیابی پیامدهای اجتماعی برنامه‌های تعدیل مورد حمایت خود در کشورهای کم درآمد را آغاز کرده است. همچنین بطور فعال با بانک جهانی و مؤسسات وابسته به سازمان ملل مانند یونیسف در بررسی اثرات تعدیل اقتصادی بر فقرا همکاری دارد.

اما کشورها معمولاً برای دریافت کمک دیر به صندوق مراجعه می‌کنند و به همین واسطه توانایی آنها برای حمایت از طبقات فقیرتر جمعیت اغلب کاملاً محدود است. سیاستهای ناپایدار غالباً به فقرا بیش از گروه‌های ثروتمندتر جامعه آسیب می‌رساند. درحالی‌که مداخله سیاسی که جزء لاینفک تعدیل نامنظم است، منجر به بهره‌مندی ثروتمندان و گروههای مقتدر سیاسی می‌گردد. سرانجام فقرا عموماً برای حمایت از رفاه خود در مقابل اثرات تورم شتابانی که نوعاً با بحران پرداخت‌های خارجی همراه است راه‌های چندانی در اختیار ندارند. با کمک صندوق و سایر منابعی که به واسطه وجود برنامه مورد حمایت صندوق جلب می‌شوند، چشم‌انداز رشد در کشور در میان مدت تقویت می‌شود. بهبود رشد در هر کشور احتمالاً به معنی بهبود رفاه فقرا از طریق رشد اشتغال و افزایش توانایی دولت برای مبادرت به برنامه‌هایی است که سودشان به تهیدستان می‌رسد.

۷- صندوق بانکهای تجاری را از ورشکستگی نجات می‌دهد:

برای حل مسأله بدهی کشورها، بدهکاران و اعتبار دهندگان باید با یکدیگر همکاری نمایند. صندوق بین‌المللی پول نه تنها برای نجات بانکهای تجاری از

بررسی‌هایی که پیرامون اثرات مجموعه کامل سیاستهای مورد حمایت صندوق انجام شده است این ادعا را که سیاستهای تثبیت اقتصادی برای رشد مضر هستند تأیید نمی‌کند. در واقع در موارد متعددی طی دوران اجرای برنامه‌های مورد حمایت صندوق و متعاقب آن رشد اقتصادی بیشتر از دوران قبل از اجرای برنامه‌های یاد شده بوده است.

معیار نهایی موفقیت برنامه‌های مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول بررسی اثر این برنامه‌ها بر چشم‌انداز کشورهای در حال توسعه است. برای نمونه، از زمان بروز بحران بدهی‌ها در سال ۱۹۸۲ اعتبارات اعطایی در قالب برنامه‌های مورد حمایت صندوق مبلغ چشمگیری بوده است. در حال حاضر (سال ۱۹۸۵) صندوق به ۵۰ کشور حدود ۵۰ میلیارد دلار در قالب کمک مالی و انجام برنامه‌ها اعطا کرده است. این کمک‌ها به کشور دریافت‌کننده وام این امکان را داده است تا بتواند از بانکهای تجاری استقراض نماید و بدین ترتیب حجم بدهی‌های خود را به اعتبار دهندگان خصوصی و رسمی کاهش دهند. به عنوان مثال تخصیص بیش از ۴ میلیارد دلار برای کمک به پنج کشور اروپای شرقی احتمالاً موجب اعطای بیش از ۲۰ میلیارد دلار دیگر از سایر منابع جهانی به این کشورها خواهد شد. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که در غیاب حمایت‌های صندوق، واردات، تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری می‌تواند به همان سطحی برسد که در کشورهای اجرا کننده برنامه‌های مورد حمایت صندوق وجود دارد.

در حال روش صندوق روشی انعطاف‌ناپذیر نیست. صندوق آماده است تا سایر روش‌های دیگری را که بتواند به موازنه پایدارتر از پرداختها و رشد پایدار کشورهای عضو کمک کند مورد ملاحظه قرار دهد.

ع برنامه‌های مورد حمایت صندوق فقر تهیدستان را تشدید می‌کند:

برنامه‌های مورد حمایت صندوق در وهله نخست روی کمک به کشورهای عضو برای تأمین و حفظ موازنه پرداختهای پایدار متمرکز است. دستیابی به چنین هدفی متضمن هزینه‌هایی در کوتاه مدت است زیرا کشور پس از دوره‌ای از خرج‌های افراطی باید به زندگی در حد مقدرات خود بازگردد. درحالی که اجرای برنامه تعدیل به طور اجتناب‌ناپذیری الگوهای موجود توزیع درآمد را تغییر می‌دهد و از این رو بر گروههای درآمدی جامعه اثرات متفاوتی به جای می‌گذارد ولی باید میان نقش صندوق و نقش مقامات ملی در شیوه اجرای تعدیل تفاوت قائل شد. زمانی که کشوری برنامه اصلاح اقتصادی خود را تدوین می‌کند و یا صندوقی در مورد آن به توافق می‌رسد، مسئولیت اجرای برنامه و پیامدهای آن عمدتاً متوجه مقامات ملی است.

سیاست‌های پیشنهاد شده در برنامه‌های مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول بیشتر ناظر بر موضوعاتی کلی مانند میزان کسری بودجه دولت یا حاشیه توسعه اعتبارات بانکی است که برای کشور اهمیت وافر دارد. توصیه‌های صندوق در مورد این مسائل همواره در جهت تصحیح عدم موازنه کوتاه مدت و بهبود رقابت‌پذیری در درازمدت است. صندوق تنها در موارد معدودی به حوزه‌های خاصی مانند نرخهای دستمزد در بخش‌های مختلف اقتصاد یا برنامه‌های خاص دولت - که کشورهای عضو آنها را همواره جزو حاکمیت ملی خود قلمداد کرده‌اند پرداخته است.

این امر کاملاً معقول است زیرا یک مؤسسه بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول که باید پاسخگوی اعضای خود باشد همواره به گوناگونی اولویت‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای عضو خود عنایت دارد. اما این به آن معنا نیست که صندوق به اثرات ممکن برنامه‌های مورد حمایت خود بر روی فقرا بی‌توجه باشد. صندوق عموماً سعی کرده است مقامات اقتصادی کشورها را نسبت به انتخابی که انجام می‌دهند و نسبت به پیامدهای آن آگاه سازد. موقعیتی را در نظر بگیرید که به دلیل رشد هزینه‌های دولتی بیش از ظرفیت درآمد دولت تراز پرداختهای خارجی دچار کسری شده باشد. در این حالت صندوق به طور معمول حساب‌های بودجه دولت را مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر در بررسی‌ها آشکار شود که دولت هزینه‌های هنگفتی را صرف پرداخت سوبسید مواد غذایی یا فرآورده‌های نفتی می‌کند، صندوق هزینه اقتصادی تداوم روند یاد شده را به

بین المللی است که دارای نظام رأی گیری وزن دار است. با این حال نظرات آنها در صندوق تعیین کننده است و در شکل دادن به صندوق به عنوان يك مؤسسه بین المللی نیز مساعدت نموده اند.

قدرت رأی هر يك از کشورهای عضو صندوق با سهمیه های پرداختی آنها تناسب دارد. از آنجا که حق عضویت کشورها براساس وسعت اقتصاد کشور و اهمیت آن کشور در تجارت تعیین می گردد و از آنجا که کشورهایی که بیشترین سهم را در تأمین بودجه صندوق دارند باید در تصمیم گیریها بیشترین نقش را داشته باشند لذا کشورهای درحال توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی به طور اجتناب ناپذیر سهم کمتری در صندوق دارند. ایالات متحده حدود ۲۰ درصد کل منابع صندوق را فراهم می کند و در همین حدود از کل قدرت رأی در صندوق را در اختیار دارد درحالیکه کشور کومور (Comoros) حدود يك دهم درصد از کل حق عضویت های صندوق را می پردازد و معادل همان نیز قدرت رأی دارد.

اما این اصلا بدان معنا نیست که کشورهای درحال توسعه هیچ نفوذی ندارند. زیرا گروه کشورهای درحال توسعه حدود ۴۰ درصد کل قدرت رأی در صندوق را در اختیار دارند. این تقریباً برابر با همان سهم رأی مجموع پنج کشوری است که بیشترین سهم را در تأمین بودجه صندوق دارند. این میزان حق رأی نه تنها برای تأثیرگذاری بر تصمیم گیریهای صندوق کافی است بلکه همچنین به کشورهای درحال توسعه این قدرت را می دهد که در تصمیمات مهم که به رأی موافق ۸۵ درصد یا ۷۰ درصد آراء نیاز است نظر خود را حاکم نمایند. تصمیماتی که نیازمند چنین اکثریتی است و کشورهای درحال توسعه دارای نفوذ کنترل کننده ای بر آنها هستند، شامل تصمیم گیری در مورد افزایش میزان منابع صندوق، فروش طلای صندوق و تعیین هزینه های استقراض از صندوق می باشد. به هر حال در بیشتر موضوعات، هیچ گونه رأی گیری رسمی در صندوق صورت نمی گیرد بلکه تصمیمات به اجماع گرفته می شود.

علاوه بر این باید بدانیم که در موارد بسیاری منافع کشورهای عضو براساس مرحله توسعه آنها تقسیم بندی نمی شود. در مورد اغلب موضوعات مهمی که نظام پولی بین المللی با آن مواجه است - مانند مناسبترین نظام نرخهای ارزی یا آزادسازی تجارت منافع کشورها می تواند با گروه های درآمدی منطبق نباشد. در مورد موضوعاتی نیز که کشورهای عضو را می توان برحسب مراحل توسعه شان تقسیم بندی کرد - مانند بهره مندی از وام های صندوق - کشورهای درحال توسعه عضو صندوق دیدگاه های بسیار متفاوتی دارند. برای نمونه درباره بسیاری از مسائلی که به موضوع بدهیها باز می گردد، دیدگاه کشورها بسته به ارزش اعتباری نسبی شان تفاوت دارد.

این ادعا نیز که نظام پولی بین المللی به طریقی علیه منافع کشورهای درحال توسعه عمل می کند، ادعای نابجایی است. طی دهه گذشته عملاً تمامی حمایت های مالی صندوق به کشورهای درحال توسعه اختصاص یافته است. به علاوه تا حدودی به دلیل وزن آراء کشورهای درحال توسعه (حدود ۴۰ درصد) در سیاستگذاری های صندوق، طی چند سال اخیر منابع صندوق به طور فزاینده ای در دسترس کشورهایی قرار گرفته است که دارای مشکلات جدی در زمینه پرداختها می باشند تسهیلات موجود صندوق توسعه یافته و تسهیلات جدیدی نیز ایجاد شده که هر دو با توجه به نیازهای کشورهای درحال توسعه بوده است. دو نوع از این تسهیلات یعنی تسهیلات تعدیل ساختاری، تسهیلات تقویت تعدیل ساختاری - منابع بسیار سبلی را در دوره های درازمدت تری که جهت انجام اصلاحات اساسی در کشورهای درحال توسعه با درآمد پائین و دارای مشکلات مزمن پرداختها لازم است فراهم آورده است.

۹- صندوق تنها بر کشورهای دارای کسری تأثیر می گذارد و نفوذی بر کشورهای دارای مازاد ندارد:

صندوق بین المللی پول بر طبق مواد اساسنامه خود باید با تمام کشورهای عضو بطور بیطرف رفتار کند. تصمیمات متعددی که توسط هیات اجرایی صندوق طی سالهای متمادی گرفته شده این التزام را تأیید نموده است و اقدامات بسیاری مانند تأسیس «ترتیبات عمومی استقراض» طی دهه ۱۹۶۰ برای تضمین منابع مالی کافی برای صندوق جهت رفع نیازهای مالی تمامی

ورشکستگی تلاش نکرده بلکه طی دهه گذشته فعالانه کوشیده است این بانک ها را پای بند حمایت از استراتژی بدهی بین المللی سازد. در غیر این صورت بانکهای تجاری از وام دادن به کشورهای درحال توسعه خودداری می نمودند. به دنبال بروز بحران بدهیها در سال ۱۹۸۲، صندوق برای کمک به کشورهای بدهکار در زمینه مقابله با مشکلاتشان یا به صحنه گذاشت. برای مقابله با مشکلات اقتصادی کشورهای بدهکار نوعی استراتژی تدوین شد که براساس اتخاذ تدابیری برای اصلاح شرایط اقتصادی کشورهای بدهکار استوار بود و مشارکت میان این کشورها و وام دهندگان خارجی آنها یعنی: دولتها، مؤسسات مالی رسمی و بانکهای تجاری پشتیبان آن بود. از تمامی گروهها خواسته شد تا برای احیای ارزش اعتباری کشورهای درحال توسعه و قوه رشد اقتصادی آنها کمک کرده و حتی مخاطراتی را بپذیرند. مطلب فوق درباره ارتباط میان صندوق بین المللی پول و بانک های تجاری دلالت بر چه چیز دارد؟ تلاش صندوق برای کمک به کشورها برای مقابله با مشکلات بدهیها و تراز پرداختهایشان نیازمند تأمین اعتباراتی برای آنهاست. منابع صندوق انقدر ناچیز است که به تنهایی صرفاً می تواند بخش نسبتاً کوچکی از اعتبارات لازم برای احیای توان کشورهای بدهکار را تأمین کند. به علاوه صندوق اصولاً هرگز چنین نیتی نداشت: صندوق يك مؤسسه پولی است که به مشکل تراز پرداختها می پردازد و يك مؤسسه توسعه ای نیست. از این رو تأمین اعتبارات از بانکهای تجاری و سایر منابع امری ضروری است. در واقع در برخی موارد صندوق آمادگی اجرای برنامه تعدیلی بدون مشارکت بانکهای تجاری را ندارد.

بانکهای تجاری از این همکاری چه نفعی می برند؟ این بانکها نفع مستقیمی در سلامت مالی کشورهای بدهکار و برقراری مجدد روابط سالم میان اعتبار دهندگان و بدهکاران دارند. آنان مایلند که در آینده امکان فعالیت در این کشورها را داشته باشند. بانکهای تجاری با عرضه منابع پولی خود به کشوری که مشغول اجرای برنامه مورد حمایت صندوق است این اطمینان نسبی را دارد که کشورهای بدهکار درحال تغییر سیاستهای خود در جهت احیای يك اقتصاد سالم هستند و سرانجام روابط مالی خود را با بانکهای تجاری به صورت عادی در خواهند آورد. البته مسئولیت اصلی استفاده مؤثر از منابع مالی جدید به عهده خود کشورهای بدهکار است که بایستی با افزون بر پس انداز داخلی خود و بالا بردن بر کارآیی سرمایه گذاری خویش ظرفیت صادراتی خود را تقویت نمایند. اما کشورهای بدهکار نمی توانند تمامی اینها را به تنهایی انجام دهند. تحقق اصلاحات اقتصادی داخلی و کاهش تدریجی بار بدهی های این کشورها در گرو دریافت منابع خارجی است.

ماهیت ارتباط میان صندوق بین المللی پول و بانکهای تجاری از کشوری به کشور دیگر تفاوت می کند. بانکهای تجاری هنگام اعطای وام به کشوری همکاری صندوق با آن کشور را مد نظر دارند ولی این تنها عاملی نیست که تصمیم آنها را تعیین می کند. از آنجا که مکانیسم وام دهی بانکهای تجاری از دیرباز به گونه ای شکل گرفته که وامها به کشورهای درحال توسعه بزرگتر اعطا می شود. صندوق نیز رأساً یا با همکاری دیگر وام دهندگان رسمی در برخی از کشورها به ویژه فقیرترین کشورها وارد عمل می شود. در کشورهای درحال توسعه با درآمد متوسطی که دارای ارزش اعتباری هستند، بانکها بدون هرگونه مشارکت مالی صندوق دست به اقدام می زنند.

بنابراین صندوق با همکاری بانکهای تجاری به نفع بدهکاران و تداوم کل نظام مالی اقدام نموده است. بهر حال صندوق نمی تواند بانکهای تجاری را از اشتباه مصون سازد و نباید چنین کند، زیرا صندوق برای همکاری با کشورهای عضو تعهد دارد نه بانکهای تجاری. هر نفعی که بانکهای تجاری از فعالیت صندوق می برند تنها يك فایده جانبی است. درحالیکه نفعی که از این مساعدت عاید کشورهای بدهکار و اقتصاد جهانی می شود بسیار چشمگیر است.

۸- کشورهای درحال توسعه نفوذی بر سیاستهای صندوق ندارند:

هرچند ممکن است در صندوق بین المللی پول کشورهای درحال توسعه وزن و اهمیت یکسانی با کشورهای صنعتی نداشته باشند زیرا صندوق يك مؤسسه

تصمیم می‌گیرند که آیا به کشوری کمک مالی اعطاء نمایند یا آن را از آن کشور دریغ نمایند. چنین سوءظنی ناشی از بدفهمی اهداف دو سازمان یاد شده و روشهای عملیاتی آن دو است.

صندوق و بانک مطابق اساسنامه‌های خود اختیارات جداگانه‌ای دارند اما هدف کلی هر دو مشترک است یعنی، هر دو مؤسسه برای تأمین پیشرفت اقتصادی و بالا بردن رفاه کشورهای عضو تلاش می‌نمایند. اختیارات صندوق شامل حال هر دو دسته کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته است. صندوق برای پیشبرد همکاری پولی و ثبات ارزی، تسهیل توسعه تجارت و رشد متوازن آن، فراهم نمودن حمایت مالی برای کمک به اعضاء جهت مواجهه با مشکلات تراز پرداختها، فعالیت می‌نماید. از طرف دیگر عملیات بانک جهانی در وهله نخست در زمینه توسعه درازمدت است. بانک جهانی برای کمک به دولتها به منظور اجرای سیاست‌های اصلاحی و برقراری رشد اقتصادی و حمایت از طیف گسترده‌ی طرح‌ها و برنامه‌ها در بخش‌های خصوصی و عمومی کمک‌های مالی و فنی خود را عرضه می‌دارد اگرچه در اجرای وظایف دو سازمان یاد شده ناگزیر تداخلاتی رخ می‌دهد ولی جدایی اساسی هدف این دو سازمان کاملاً روشن است.

اما صندوق و بانک جهانی به طرق متعددی با یکدیگر همکاری دارند. در درجه نخست، متخصصان هر يك از این دو سازمان در موضوعاتی که جزو حوزه کارشناسی سازمان دیگر است با یکدیگر مشورت می‌نمایند. به عنوان مثال کارکنان صندوق از کارکنان بانک درباره برنامه سرمایه‌گذاری کشورهای عضو نظر خواهی می‌کنند و کارشناسان بانک نیز دیدگاه کارشناسان صندوق را درباره مناسب بودن سیاست‌های نرخ ارز در کشورهایی که قرار است صندوق از برنامه‌های آنها حمایت کند جویا می‌شوند. همچنین برای تأمین کارایی عملیاتی، دو مؤسسه یاد شده خدماتی را به طور مشترک ارائه می‌نمایند و اعضاء هر يك از دو سازمان یاد شده در صورت لزوم در هیأت‌هایی که سازمان دیگر به کشورهای عضو اعزام می‌کند شرکت می‌جویند.

در سالهای اخیر همکاری میان بانک و صندوق افزایش یافته است، زیرا هر يك از این دو مؤسسه بر حجم فعالیت‌های خود که مرتبط با دیگری است افزوده‌اند. درحالی که بخش اصلی وام‌های بانک جهانی هنوز برای پروژه‌های خاص اعطاء می‌شود، ولی از اوایل دهه ۱۹۸۰ بانک جهانی قلمرو عملیات وام‌دهی خود را گسترش داده و وام‌های تعدیل ساختاری و وام‌های بخشی را که هدف از آنها رفع مشکلات موازنه پرداختهای کشورهای درحال توسعه است اعطاء نموده است. در همین حال، صندوق نیز طی سالهای اخیر کوشیده است وام‌های بیشتری را برای بازسازی درازمدت اقتصاد کشورهای درحال توسعه اعطاء نماید. این همکاری اهداف صندوق و بانک با ایجاد «تسهیلات تعدیل ساختاری و تقویت تعدیل ساختاری» توسط صندوق دوچندان شده است. در قالب این دو نوع تسهیلات صندوق در همکاری نزدیک با بانک به کشورهای کم درآمد کمک می‌کند تا چارچوبی برای برنامه‌های توسعه میان مدت خود فراهم نمایند.

هنگامی که صندوق و بانک در زمینه اصلاح ساختاری با یکدیگر همکاری می‌نمایند مشارکت کارشناسان این دو سازمان، هم ضروری است و هم مطلوب. زیرا خطر فعالیت در خلاف جهت یکدیگر را به حداقل می‌رساند. ولی در عین حال این اقدام از نقش اولیه آنها نمی‌کاهد در واقع صندوق و بانک با حفظ ویژگی‌ها و استقلال عمل خود می‌توانند در مقایسه با يك سازمان بزرگ واحد کمک‌های کارشناسانه‌تر و انعطاف‌پذیرتری در اختیار کشورهای عضو قرار دهند. بنابراین، همکاری صندوق و بانک تنها يك هدف دارد و آن بهبود کیفیت خدماتی است که دو سازمان یاد شده به کشورهای عضو عرضه می‌دارند.

اعضاء خود صورت گرفته است. تنها شرط اولیه برای استفاده هر يك از اعضا از منابع صندوق وجود عدم تعادل در تراز پرداخت‌های آن است. چنین مشکلاتی خاص گروه مشخصی از اعضاء صندوق کشورهای کوچک‌تر یا بزرگ‌تر، فقیرتر یا غنی‌تر، صنعتی یا درحال توسعه نیست بلکه در زمانهای مختلف شامل حال تمامی اعضاء صندوق می‌شود. در سالهایی که بزرگترین قرض‌گیرندگان از صندوق انگلستان بود در استفاده از منابع صندوق اساساً تابع همان شروطی بود که يك کشور درحال توسعه برای وام گرفتن باید برآورده سازد.

صندوق به طور اجتناب‌ناپذیر بر سیاست‌های کشورهایی که از منابع صندوق استفاده می‌کنند تأثیر بیشتری دارد تا بر سیاست‌های کشورهایی که از منابع صندوق استفاده نمی‌کنند. کشورهای عضو، منابع مالی عظیمی را نزد صندوق به امانت نهاده‌اند تا به کشورهایی که برای رفع مشکل موازنه پرداختهای خود نیاز به کمک دارند وام اعطاء کند و به این نهاد اختیار داده‌اند تا برای تضمین مؤثرترین استفاده از منابع استقراضی و بازپرداخت آنها سیاست‌های اصلاحی را به اجرا گذارد. کشور عضو برنامه تعدیلی را که قصد دارد در حمایت از درخواست کمک خود آن را به مرحله اجرا درآورد به صندوق ارائه می‌کند. صندوق درباره اجراء این برنامه با کشور عضو مذاکره نموده و در صورت پذیرش آن برپای بندی کشور عضو به تعهداتش نظارت می‌کند از این رهگذر صندوق بر سیاست‌های این عضو تأثیر می‌گذارد. شرایط مربوط به اعطای وام‌های صندوق و میزان نظارت صندوق بر پیشرفت کشورهای عضو به دقت توسط مدیران اجرایی صندوق مشخص شده و با تجربه صحت آن مورد آزمون قرار گرفته است.

کشورهایی که دارای مازاد تراز پرداختها هستند و نیازی به استقراض از صندوق ندارند صندوق چگونه بر سیاست‌های آنها تأثیر می‌گذارد؟ به راستی آیا صندوق هیچ تأثیری بر سیاست‌های آنها دارد؟ پاسخ مثبت است. ابزار اصلی که صندوق در اختیار دارد توصیه‌های اخلاقی است که در مورد پیروی از سیاست‌هایی که برای تمامی کشورهای عضو سعادت اقتصادی به ارمغان می‌آورد به اعضا می‌کند.

صندوق از سه طریق بر کشورهای دارای مازاد اعمال نفوذ می‌کند:

اول: صندوق محلی را فراهم می‌کند که در آن تمامی اعضاء می‌توانند به ابراز نظر در مورد سیاست‌های سایر اعضا پرداخته و آنچه را باید تشویق کرد تشویق و آنچه را باید محکوم کرد محکوم نمایند. این از ابتکارات صندوق است که همچون عرصه‌ای همیشگی برای طرح و مبادله اندیشه‌ها و قضاوت‌ها عمل می‌کند.

دوم: صندوق بطور معمول سالی یکبار با هر يك از اعضاء مشاوره دارد. این مشورتها کمک می‌کند تا آمار اقتصادی کشورها استخراج شود و مجالی برای تمامی اعضاء فراهم می‌کند تا نظرات خود را درباره نحوه اداره امور اقتصادی هر عضو و پیروی از الزامات مواد موافقت‌نامه صندوق ابراز نمایند.

سوم: صندوق نظرات خود را درباره تمامی کشورها منتشر می‌کند به عنوان مثال در گزارش «چشم‌انداز اقتصاد جهانی» که هر دو سال یکبار منتشر می‌شود و در سخنان مدیرعامل صندوق دیدگاه‌های صندوق درباره سیاست‌های اقتصادی بزرگترین و مهم‌ترین اعضا از نظر اقتصادی اعلام می‌شود. قضاوت‌های صندوق بی‌برده و غالباً بطور شگفت‌آوری انتقادی است و از سوی کشور مورد بحث به جد تلقی می‌شود. برخی از نظرات صریح و بدون ابهام صندوق درباره کشورهای عضو است که دارای بیشترین مازادها هستند. البته قضاوت درباره این که تا چه حد این تفسیرها و نظرات بر سیاست‌های کشورهای دارای مازاد مؤثر بوده است، مشکل است. اما دولتها مستول، احتمالاً به خوبی آگاهی دارند که نادیده گرفتن دیدگاه جهانی که از طریق صندوق بیان می‌شود به خودی خود موجب ایجاد تردید در مورد سیاست‌های آنها می‌شود.

۱۰- صندوق و بانک جهانی با یکدیگر در برابر کشورهای

درحال توسعه تبانی می‌کنند:

* Structural adjustment facility

** enhanced structural adjustment facility

مأخذ:

I.M.F, Ten Common Misconceptions About the IMF, External Relation Department, Washington. D.C. 1992.

یکی از تصورات نادرست رایج اینست که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در روابط خود با کشورهای عضو با یکدیگر تبانی می‌کنند و میان خود